



عین الله رحمانی

اقسام حمل!؟

مقایسه دیدگاه خواجه نصیرالدین طوسی در مورد اقسام حمل با دیگر منطق دان های مسلمان

چکیده

این مقاله کوشیده است تا تقسیمات مشهوری را که در کتب منطقی خواجه نصیرالدین طوسی در باب حمل صورت گرفته، جمع آوری کند. در زیر هر تقسیم، دلیل تقسیمات و نام گذاری ها را از دیدگاه خواجه نصیرالدین طوسی مورد بررسی قرار داده و سپس این دیدگاه را با نظر دیگر منطق دان های مسلمان مقایسه کرده است.

تعریف حمل: خواجه نصیر (اساس الاقتباس، ص ۱۸) در تعریف حمل با بزرگان منطق نظیر ابن سینا (الشفاء، المدخل، ص ۲۶؛ و الشفاء، العبارة، ص ۲۰)، قطب الدین محمد شیرازی (دره التاج، ص ۵۳) و میرداماد (الافق المبین، ص ۱۸) اشتراک نظر دارد. او حمل را مشترک لفظی بین دو معنا حمل موافات و حمل اشتقاق می داند. در حالی که ابن سینا (الشفاء، المدخل، ص ۲۶). معتقد است که هرگاه «حمل» به طور مطلق به کار رود، حمل موافات است و در حمل اشتقاق قید «اشتقاق» لازم است.

▲ **کلیدواژه ها:** حمل موافات، حمل اشتقاق، حمل ذاتی، حمل شایع صناعی.

خودش را بگذارد و اگر نفهمد برای چه چیزی تشویق یا تنبیه می شود روحش به کلی مشوّش می گردد (حسنی، ۱۳۸۷، ص ۲۰۳).

شهید مطهری تشویق را عامل رشد ولی تنبیه را عامل فرونشاندن طغیان های انسان می داند. ایشان تربیت را رشد دادن و پرورش استعدادها تعریف می کند (مطهری، ۱۳۸۰، ص ۶۱).

مربی باید دقت کند شرایط زمانی، مکانی و خصوصیات روحی دانش آموز را در تشویق و تنبیه، به خصوص در تنبیه، رعایت نماید «الأفراط فی الملامة نیران شیب الحیاة»: زیاده روی در ملامت و سرزنش آتش لجاجت را شعله ور می کند.

بدیهی است وجود انذار و تیشیر برای هر تربیت متعادل ضروری است، زیرا اگر نیکوکار و بدکار از نظر جزا یکسان باشند، زمینه بی رغبتی نیکوکاران در انجام کار نیک و جرئت یافتن بدکاران در ادامه دادن به تبهکاری ها فراهم می شود.

یکی از روش های بسیار مؤثر در تربیت، تشویق کارهای خوب کودک است. تشویق در روح و نهاد کودک اثر می گذارد و او را به انجام اعمال نیک تحریض و ترغیب می کند. هم چنین، در سایه تشویق از بسیاری از خواسته ها و تمنیات خود چشم پوشی می کند و عملاً به راهی می رود که مشوق او خواهان آن است.

میل به تشویق از تمایلات فطری انسان است و تا پایان عمر در وی باقی می ماند. کسی نیست که به تشویق نیاز نداشته باشد و همگان آرزو دارند که موقعیتی نصیبشان شود تا مورد تحسین دیگران قرار گیرند.

تشویق مایه تقویت روحی است، روح شکست خورده شاگرد را ترمیم می کند، حقارتش را به عزت تبدیل می سازد و او را در پیمودن راه کمال و تعالی کمک می کند. هم چنین، استعدادها و قوای درونی اش را به فضیلت می رساند و شخصیت فرد را احیا می کند.

اما استفاده از عامل تنبیه وقتی مناسب است که سایر عوامل تربیتی از تأثیر و کارایی در مورد فرد، نارسا و عاجز باشد. تنبیه یکی از عوامل بازدارنده است و در شرایط به خصوص نیرومندترین و ضروری ترین وسیله ضمانت خیر و سعادت برای جامعه انسانی است (شکوهی، ۱۳۶۵، ص ۱۰۶).

آنچه می تواند سکینه واقعی را بر قلب و روح انسان حکم فرما سازد و او را از چنگال اضطرابها برهاند بازگشت و نزدیکی و ارتباط با خداست، که در پرتو شرح صدر و شکیبایی به دست می آید. شهید بهشتی می فرماید اگر تشویق در خط گول زدن و طمع برانگیختن باشد ضد آهنگ اسلامی است و اگر تنبیه در خط مرعوب کردن، انسان ها را خرد یا بزرگ کردن، از هویت و استقلال و شخصیت تهی کردن باشد، این هم راه اسلام نیست (بهشتی، ۱۳۸۱، ص ۷۳ و ۷۴).

در بعضی از مسائل اخلاقی، مؤاخذه کردن فرد سبب می شود که او در ارتکاب عمل جری تر شود و به اصطلاح پرده حیا را بدرد. پس باید تنبیه متناسب با رفتار ناپسند باشد و بیشتر از تشویق بهره گرفته شود تا تنبیه، زیرا ۸۵٪ مغز انسان برای تشویق و ۱۵٪ آن برای تنبیه مهیا شده است.

حمل موافات و حمل اشتقاق

حمل موافات: خواجه نصیر (شرح الاشارات، جلد ۱، ص ۱۴۱ و اساس الاقتباس، ص ۱۸) اصطلاح حمل موافات را که، در فلسفه و کلام نیز کاربرد دارد، با تعابیری مانند «حمل متواطی»، «حمل هوهو»، «حمل هو علی هو» و «حمل به طریق هوهو» از آن یاد می‌کند. علامه حلی (الجواهر النضید، ص ۱۳)، تهانوی (حاشیه بر شرح شمسیه، ص ۶۰) و صدرالدین شیرازی (رسالة التنقیح، ص ۹) نیز این تعابیر را به کار برده‌اند.

از دیدگاه خواجه نصیر طوسی (تجرید المنطق، ص ۱۰) حمل صفت بر موصوف و حمل موصوف بر صفت هر دو حمل موافات‌اند ولی فخر رازی فقط حمل موصوف یا ذات بر صفت را حمل موافات می‌داند، مانند «المتحرک جسم»، و حمل صفت را بر موصوف حمل اشتقاق می‌نامد (شرح عیون الحکمه، جلد ۱، ص ۱۲۰). در حالی که درباره حمل موافات گفته‌اند: حملی است که در آن محمول حقیقتاً بر موضوع حمل می‌شود (الشفاء، المدخل، ص ۲۸). به گونه‌ای که می‌توان گفت موضوع همان محمول باشد (الشفاء، المقولات، ص ۲۰؛ المعبر، جلد ۱، ص ۱۲؛ الجواهر النضید، ص ۱۳؛ ابن کمونه، التجرید فی الحکمه، ص ۱۵۴).

با توجه به این که تمام تعاریف حمل برای حمل موافات نیز صادق است خواجه نصیر (تجرید المنطق، ص ۱۷) معتقد است که حمل همان حکم به ثبوت چیزی برای چیزی یا حکم به عدم وجود چیزی برای چیزی است، بنابراین تقسیم حمل به موجبه و سالبه معنا دارد، که ابن سینا (دانش‌نامه علائی، ص ۱۹؛ و عیون الحکمه، ص ۳) با سخن خواجه هم عقیده است. اما برخی دیگر، حملیه نامیدن سالبه‌ها را مجاز دانسته‌اند؛ زیرا که در سالبه سلب اتحاد بین موضوع و محمول مطرح است و حمل یعنی بیان اتحاد بین دو امر (المعبر، جلد ۱، ص ۱۳؛ شیرازی، شرح حکمة الاشراف، ص ۶۶؛ حلی، القواعد الجلیه، ص ۲۴۵). و برای توجیه این مجاز وجوهی مطرح کرده‌اند (شرح عیون الحکمه، ج ۱، ص ۱۲۱؛ شرح الاشارات، جلد ۱، ص ۲۲۴؛ رازی، شرح المطالع، ص ۱۱۳). ولی بعضی مدعی‌اند سالبه‌ها نیز حقیقتاً حملیه‌اند؛ به این دلیل که معنای اصطلاحی حمل در سالبه‌ها هم تحقق دارد (دسوقی، حاشیه بر شرح شمسیه، ص ۸۵).

در حالی که از این سخن خواجه یک پارادوکس مطرح می‌شود که اگر موضوع و محمول متغیر باشند چگونه حکم به اثبات آن‌ها داده می‌شود و اگر برهم ثابت می‌شوند متغیر بودن آن‌ها چگونه توجیه می‌شود. به عبارت دیگر، حمل یا مستلزم وحدت دو امر متغایر است یا تغییر دو امر متحد؛ و این دو محال‌اند. پس حمل نیز محال است (دسوقی، حاشیه بر شرح شمسیه، ص ۹۲؛ دوانی، تعلیقه بر شرح شمسیه، ج ۲، ص ۲۸۰). اما باید دانست اولاً، این سخن که «حمل محال است»، خود، مشتعل بر حمل است پس این ادعا ناقص خویش است (دسوقی، حاشیه بر شرح شمسیه، ص ۹۲)؛ ثانیاً، موضوع و محمول از جهتی (مفهوم) متغیر و از جهتی (وجود) متحدند (دسوقی، حاشیه بر شرح شمسیه، ص ۹۳؛ فخر رازی، الانارات، ص ۲۶).

با توجه به این که در حمل تغییر مفهومی بین موضوع و محمول لازم است، منطق دانان حمل الفاظ مترادف را یکدیگر، حمل حقیقی ندانسته، بلکه این حمل را لفظی خوانده‌اند (ابن سینا، منطق المشرقیین، ص ۱۲؛



از دیدگاه
خواجه نصیر
طوسی حمل
صفت بر
موصوف و
حمل موصوف
بر صفت
هر دو حمل
موافات‌اند
ولی فخر رازی
فقط حمل
موصوف یا ذات
بر صفت را
حمل موافات
می‌داند

ساوی، البصائر النصیریه، ص ۳۵؛ سهروردی، منطق التلویحات، ص ۶).
حمل اشتقاق: طوسی (شرح الاشارات، ج ۱، ص ۱۴۱؛ اساس الاقتباس، ص ۱۸) این قسم از حمل را با تعابیراتی مثل «حمل ذو هو»، «حمل هو ذو هو» و «حمل فی هو» از آن یاد کرده است و علامه حلی (الجواهر النضید، ص ۱۳) و دسوقی (حاشیه بر شرح شمسیه، ص ۶۰) نیز این تعابیر را درباره حمل اشتقاق به کار برده‌اند. خواجه طوسی (شرح الاشارات، ج ۱، ص ۱۴۲) حمل اشتقاق را این گونه تعریف می‌کند: حمل اشتقاق حملی است که در آن محمول بی‌واسطه بر موضوع حمل نمی‌شود، بلکه به واسطه ذو یا اشتقاق به موضوع نسبت داده می‌شود، مانند حمل سفیدی بر انسان و قطب‌الدین محمد رازی (شرح المطالع، ص ۵۰) نیز این نظر را تأیید می‌کند. و خواجه طوسی (اساس الاقتباس، ص ۱۸) بیان می‌کند که در حمل اشتقاق هو هوبت موضوع و محمول مطرح نیست، بلکه مراد آن است که موضوع دارای محمول است و قطب‌الدین محمد شیرازی (دره‌التاج، ص ۵۲) نظر خواجه را در این زمینه تأیید می‌کند.

دلیل آن که به این حمل، حمل اشتقاقی می‌گویند آن است که تا اشتقاقی در کار نباشد حمل صحیحی تحقق نمی‌یابد (مشکوٰۃ‌الدینی، منطق نوین، ص ۱۸۱)؛ گرچه برخی گفته‌اند محمول حقیقی خود مبدأ اشتقاق است و لفظ «ذو» مثلاً برای بیان نسبت است (المعبر، ج ۱، ص ۲۲). ولی این سخن ناقص است؛ زیرا محمول در حمل اشتقاق مبدأ اشتقاق به ضمیمه نسبت است؛ یعنی نسبت جز محمول است نه خارج آن (رازی، شرح المطالع، ص ۵۰) که این اشتقاق از نظر خواجه همان واسطه است.

حمل ذاتی اولی و حمل شایع صناعی

حمل ذاتی اولی: بهمنیار (التحصیل، ص ۱۷)، غزالی (معیار العلم، ص ۸۲) و محقق دوانی (تعلیقه بر شرح شمسیه، ج ۲، ص ۲۷۲) در آثار خود از این حمل نام برده‌اند. در این حمل، محمول ذاتی موضوع است و با این حال بی‌واسطه بر آن حمل می‌شود؛ مانند حمل جنس بر نوع. خواجه طوسی به‌طور مستقل این حمل را در آثار خود نیاورده است ولی در این مورد نظرانی ارائه کرده است که در جای خود بیان می‌شود. اما در سخنان میرداماد (الافق المبین، ص ۱۹) و صدر المتألهین (تعلیقات علی الهیات الشفاء، ص ۱۲۸ و تعلیقات علی شرح حکمة الاشراف، ص ۶۷) و بیروان ایشان مانند مرحوم سبزواری (شرح المنظومه، ص ۱۳۰) و مدرس زنوزی (رسالة حملیه، ص ۴۳) حمل ذاتی اولی به معنای حملی است که در آن موضوع و محمول، هم از نظر مفهومی و هم از نظر وجودی متحد باشند. برخی نیز معنای این حمل را توسعه داده و گفته‌اند: حمل ذاتی اولی حملی است که در آن مفهوم محمول عین مفهوم موضوع یا جز آن باشد (منطق نوین، ص ۱۷۵).

علت نام‌گذاری این حمل به حمل ذاتی آن است که چون این حمل فقط درباره ذاتیات به کار می‌رود وجود در آن واسطه نمی‌شود «ذاتی»، [نامیده می‌شود] و چون اولی الصدق او الکذب است «اولی» نامیده می‌شود (الافق المبین، ص ۱۹؛ رساله حملیه، ص ۵۴).

برخی حمل حد بر محدود را حمل ذاتی اولی دانسته‌اند (سبزواری، تعلیقات بر الحکمه المتعالیه، ج ۱، ص ۲۹۳)؛ و بعضی حتی حمل اجزای حد بر محدود را حمل ذاتی اولی شمرده‌اند (طباطبایی، نهیة الحکمه،

ص ۱۴۲). خود ملاصدرا (تعلیقات علی الهیات الشفاء، ص ۱۲۹) حمل حد و اجزای آن را بر محدود، گاه حمل ذاتی اولی و گاه حمل شایع دانسته است (الاسفار، ج ۱، ص ۲۹۳)؛ در حالی که از نظر خواجه طوسی (اساس الاقتباس، ص ۴۱۹) حمل حد بر محدود را حمل لفظی و نه حقیقی دانسته است. آنان که حمل حد بر محدود را حقیقی می‌دانند دلیل می‌آورند که گاه غرض از حمل این است که موضوع را با عنوان محمول تصور کنیم؛ گرچه غالباً مقصود از حمل، افاده تصدیق به حالتی از حالات موضوع است (جرجانی، تهذیب میری، ص ۱۱۴، ص ۱۱۶).
 بر حمل ذاتی اولی اشکالی می‌گیرند که تغییر بین موضوع و محمول از مقدمات هر حملی است و در حمل ذاتی اولی - به اصطلاح اخیر آن - تغییری وجود ندارد. پاسخ این است که در موارد حمل ذاتی اولی تغییر بین موضوع و محمول به اجمال و تفصیل است (رسالة التفتیح، ص ۹)، و علامه طباطبایی تغییر به ابهام و تحصیل را نیز بر آن افزوده‌اند (نهایة الحکمه، ص ۱۴۲).

خواجه طوسی (اساس الاقتباس، ص ۷۴) حمل شی بر خودش را حمل ذاتی اولی نامیده است. و فخر رازی (شرح عیون الحکمه، ج ۱، ص ۷۵) نیز با او هم عقیده است. در حالی که حمل شی بر خودش را گروهی حمل ذاتی اولی شمرده‌اند (دوانی، تعلیقه بر شرح شمسیه، ج ۲، ص ۲۷۲ و ۲۸۱؛ سبزواری، شرح المنظومه، ج ۱، ص ۱۳۰؛ و تعلیقه بر الحکمة المتعالیة، ج ۱، ص ۲۹۳؛ و تعلیقه بر الشواهد الربوبیة، ص ۴۲۶؛ طباطبایی، تعلیقه بر الحکمة المتعالیة، ج ۲، ص ۱۶) و بعضی آن را غیر مفید دانسته و پاره‌ای نیز چنین تفصیل داده‌اند که اگر بین دو طرف تغییری لحاظ نشود حمل باطل است (سبزواری، شرح حکمة الاشراف، ص ۶۶)، ولی اگر با «تعدد التفتات»، که حیثیت ناقص موضوع و محمول می‌شود، تغییری حاصل آید حمل صحیح است گرچه بی فایده است (دوانی، تعلیقه بر شرح شمسیه، ج ۲، ص ۲۷۲؛ میرداماد، الافق المبین، ص ۱۹؛ صدرالدین شیرازی، تعلیقه علی شرح حکمة الاشراف، ص ۶۷؛ رساله حملیه، ص ۱۳ و ۲۱).

در باب فایده حمل شی بر خودش گفته‌اند این حمل، جعل مرکب بین شی و ذاتش را نفی می‌کند (سبزواری، شرح المنظومه، ص ۲۶۱؛ و تعلیقه بر الحکمة المتعالیة، ج ۱، ص ۲۹۳؛ و تعلیقه بر الشواهد الربوبیة، ص ۴۲۶)، یا به عبارت دیگر، شی را بر خودش حمل می‌کنیم تا توهم مغایرت مرتفع شود (نهایة الحکمه، ص ۱۴۲).

حمل شایع صناعی: از این حمل با تعبیری هم چون حمل متعارف، حمل عَرَضی، حمل ثانوی، حمل شایع، حمل صناعی، حمل شایع متعارف و حمل عرضی متعارف یاد می‌شود. این حمل را به این تعبیر تعریف کرده‌اند:

الف) حملی است که در آن موضوع و محمول از نظر مفهومی متغایر و از نظر وجودی متحدند (صدرالدین شیرازی، الحکمة المتعالیة، ج ۱، ص ۹۲؛ و تعلیقات علی الهیات الشفاء، ص ۱۲۸؛ و تعلیقات علی شرح حکمة الاشراف، ص ۶۶ و ۲۰۰؛ سبزواری، شرح المنظومه، صفحه ۱۳۰).

ب) حملی است که در آن موضوع فردی از محمول است (الحکمة المتعالیة، ج ۱، ص ۲۹۲).

ج) حملی است که در آن چیزی که فرد یکی از موضوع یا محمول است فرد دیگری هم هست (الافق المبین، ص ۱۹).

د) حملی است که در آن محمول نه عین مفهوم موضوع است نه

جزء آن (منطق نوین، ص ۱۷۶).

هـ) حملی است که در محصورات اربع موجود است (تهانوی، موسوعة کشف، ج ۱، ص ۷۱۸؛ نگری، جامع‌العلوم، ج ۲، ص ۵۸). علت نام‌گذاری این حمل آن است که چون این حمل از حمل ذاتی اولی متأخر است آن را «عرضی» و «ثانوی» می‌نامند و به لحاظ رواج و شیوعش در علوم آن را «شایع صناعی» خوانده‌اند (الافق المبین، ص ۲۰؛ رساله حملیه، ص ۱۰؛ المظفر، المنطق، ص ۱۰۱؛ جامع‌العلوم، ج ۲، ص ۵۸؛ موسوعة کشف، ج ۱، ص ۷۱۸).

از فارابی نقل کرده‌اند که برای حمل شایع، چهار فرض وجود دارد: ۱. حمل جزئی حقیقی بر خودش؛ ۲. حمل جزئی حقیقی بر کلی‌ای که فرد آن است؛ ۳. حمل کلی بر جزئی حقیقی‌ای که فرد بالذات یا بالعرض آن کلی است؛ و ۴. حمل دو کلی‌ای که با یکدیگر تصادق دارند (تعلیقات علی شرح حکمة الاشراف، ص ۶۷).

خواجه طوسی (اساس الاقتباس، ص ۱۹) منتقد فرض اول فارابی است و حمل دو جزئی بر یکدیگر را نادرست می‌داند زیرا ممکن است متباین باشند و اگر هر دو اسم باشند لفظی و غیرحقیقی هستند که بهمنیار (التحصیل، ص ۲۶) و ابن سینا (الشفاء، المقولات، ص ۲۰) با نظر خواجه هم عقیده‌اند اما بعضی حمل جزئی را، چه بر خودش و چه بر کلی‌ای که فرد آن است، نادرست و محال شمرده‌اند (الشفاء، المقولات، ص ۲۷؛ ساوی، البصائر النصیریة، ص ۵۴؛ غزالی، معیار العلم، ص ۲۹۶؛ ابن رشد، تلخیص کتاب القیاس، ص ۲۱۱؛ سهروردی، منطق التلویحات، ص ۷؛ شیرازی، دره‌التاج، ص ۵۴)؛ هم‌چنین اگر دو جزئی دو وصف خاص باشند، حمل غیرحقیقی است (الشفاء، المقولات، ص ۲۱؛ بغدادی، المعبر، ج ۱، ص ۱۶۵)؛ و حمل جزئی بر وصف خاص حمل غیرطبیعی و بالعرض است (تلخیص کتاب القیاس، ص ۲۱۱)؛ و حمل جزئی بر اسم اشاره نیز غیرواقعی است (الدسوقی، حاشیه بر شرح شمسیه، ج ۱، ص ۲۵۳). حمل جزئی بر کلی غیرمقرون به سور، مستلزم تناقض است (البصائر النصیریة، ص ۵۴) و حمل جزئی بر کلی مقرون به سور، حملی لفظی و غیرحقیقی و خارج از وضع طبیعی حمل است (المعتبر، ج ۱، ص ۱۶۵).

در پاره‌ای از کلمات، حمل شایع صناعی به حمل بالذات و حمل بالعرض تقسیم شده است. حمل بالذات حملی است که در آن ذاتیات شی بر آن حمل می‌شود؛ و حمل بالعرض حملی است که در آن عرضیات شی بر آن حمل می‌شود (الافق المبین، ص ۲۰؛ صدرالدین شیرازی، الحکمة المتعالیة، ج ۱، ص ۲۹۲؛ و رساله التفتیح، ص ۹؛ رساله حملیه، ص ۴۴ و ۵۴).

از نظر خواجه نصیرالدین طوسی (شرح الاشارات، ج ۱، ص ۴۷۲) حمل اولی در مقابل حمل شایع به کار نمی‌رود، بلکه به معنای محمول اولی به کار می‌رود. در این معنا، حمل اولی به محمولی گفته می‌شود که با واسطه یا بی‌واسطه، اعم از موضوع بر موضوع حمل شود که ابن سینا و فخر رازی و ابن رشد و حلی نیز با خواجه هم عقیده هستند (الشفاء، البرهان، ص ۱۳۵؛ البصائر النصیریة، ص ۳۴۱؛ تلخیص کتاب البرهان، ص ۵۱؛ منطق التلویحات، ص ۷۶؛ الانارات، ص ۲۲۷؛ الجوهر النضید، ص ۲۱۰؛ حاشیه بر شرح شمسیه، ص ۷۱)؛ یا حملی که در آن ايجاب محمول با سلب آن از معنایی اعم از موضوع ممکن نباشد (معیار العلم، ص ۲۲۸).

ابن سینا و خواجه طوسی هم عقیده‌اند که محمول اولی یا محمول به حمل اولی - به معنایی که مطرح شد - ممکن است برای موضوعش

با توجه به این که در حمل تغییر مفهومی بین موضوع و محمول لازم است، منطبق دانان حمل الفاظ مترادف را بر یکدیگر، حمل حقیقی ندانسته، بلکه این حمل را لفظی خوانده‌اند



ذاتی باشد یا عرضی (دانش نامهٔ علائی، ص ۶۱)؛ مانند حمل جنس قریب و فصل قریب بر نوع، و همین طور حمل عرض ذاتی بر نوع (دانش نامهٔ علائی، ص ۶۱؛ تجرید المنطق، ص ۵۴).

حمل طبعی: از نظر خواجه طوسی (شرح الاشارات، ج ۱، ص ۱۵۱)؛ تعریف حمل طبعی آن است که محمول به لحاظ مفهومی اعم از موضوع باشد و گفته اند: هر اعم مفهومی بدون شک بر اخص حمل می شود که علامه حلی و محمدرضا مظفر نیز با او هم عقیده هستند (جوهر النضید، ص ۱۴؛ المنطق، ص ۹۹). چون این حمل با طبع انسان موافق است آن را «طبعی» نام نهاده اند. خواجه طوسی در اساس الاقتباس حمل ذاتی اعم یا حمل خواص و اعراض را بر موضوع حمل طبعی دانسته است (اساس الاقتباس، ص ۲۹۹).

حمل وضعی: حمل اخص مفهومی بر اعم است (جوهر النضید، ص ۱۴؛ المنطق، ص ۹۹) که آن را حمل جعلی یا بالجعل یا بالوضع یا غیرطبعی نیز نامیده اند و خواجه طوسی در اساس الاقتباس معتقد است که حمل معروض بر عارض یا حمل عرضی بر عرضی دیگر نیز حمل وضعی است (اساس الاقتباس، ص ۲۹۹) و ربانی گلپایگانی نیز با او هم عقیده است (مناهج الاستدلال، ص ۶۵).

منابع

۱. ابن رشد، ابو ولید، **تلخیص کتاب البرهان**، تحقیق دکتر محمود قاسم، مصر، الهيئة المصرية العامة للكتاب، ۱۹۸۲ م. به نقل از مقالهٔ اقسام حمل و احکام آن ها، نویسنده محمد باقر ملکیان، چاپ در مرکز پژوهش های دائرة المعارف
۲. **تلخیص کتاب القیاس**، تحقیق دکتر محمود قاسم، مصر، الهيئة المصرية العامة للكتاب، ۱۹۸۳ م. به نقل از مقالهٔ اقسام حمل و احکام آن ها، نویسنده محمد باقر ملکیان، چاپ در مرکز پژوهش های دائرة المعارف
۳. ابن سینا، حسین بن عبدالله، **العبارة**؛ المنطق؛ تحقیق محمود الخضیری، قاهره، دارالکتاب العربی للطباعة و النشر، [بی تا]. به نقل از مقالهٔ اقسام حمل و احکام آن ها، نویسنده محمد باقر ملکیان، چاپ در مرکز پژوهش های دائرة المعارف
۴. **المدخل** در [الشفا؛ المنطق]، تحقیق اب قنوتی و محمود الخضیری و فؤاد الاهدانی، قاهره، المطبعة الامیریة، ۱۳۷۱ ق. به نقل از مقالهٔ اقسام حمل و احکام آن ها، نویسنده محمد باقر ملکیان، چاپ در مرکز پژوهش های دائرة المعارف
۵. **المقولات** در [الشفا؛ المنطق]، تحقیق احمد فؤاد الاهدانی، قاهره، الهيئة العامة لشئون المطابع الامیریة، ۱۳۸۵ ق. به نقل از مقالهٔ اقسام حمل و احکام آن ها، نویسنده محمد باقر ملکیان، چاپ در مرکز پژوهش های دائرة المعارف
۶. **دانش نامه علائی**، تهران، کتابخانه فارابی، ۱۳۶۰ ش.
۷. **عیون الحکمة**، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۳ ش.
۸. **منطق المشرقیین**، قم، منشورات مکتبه ایت الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۰۵ ق.
۹. ابن کمونه، سعد بن منصور، **الحکمة فی الجدید فی الحکمة**، تحقیق حمید مرعید الکبیس، بغداد، مطبعة جامعة بغداد، ۱۴۰۳ ق. به نقل از مقالهٔ اقسام حمل و احکام آن ها، نویسنده محمد باقر ملکیان، چاپ در مرکز پژوهش های دائرة المعارف
۱۰. بغدادی، ابوالبرکات، **الکتاب المعتبر فی الحکمة**، اصفهان، انتشارات دانشگاه اصفهان، ۱۳۷۳ ش.
۱۱. بهمنیار، ابن المرزبان، **التحصیل**، تصحیح و تعلیق مرتضی مطهری، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۹ ش.
۱۲. تهاونوی، محمدعلی، **موسوعة کشف اصطلاحات الفنون و العلوم**، مقدمه رفیق العجم، بیروت، مکتبه لبنان ناشرون، ۱۹۹۶ م. به نقل از مقالهٔ اقسام حمل و احکام آن ها، نویسنده محمدباقر ملکیان، چاپ در مرکز پژوهش های دائرة المعارف
۱۳. «حاشیه بر شرح شمسیه» در [شرح الشمسیه]، بیروت، شرکت شمس المشرق، [بی تا]. به نقل از مقالهٔ اقسام حمل و احکام آن ها، نویسنده محمدباقر ملکیان، چاپ در مرکز پژوهش های دائرة المعارف
۱۴. جوادی آملی، عبدالله، **شرح حکمه متعالیه**، بخش ۲، جلد ۶، تهران، انتشارات الزهراء، ۱۳۶۸ ش.
۱۵. حلی، جمال الدین حسن بن یوسف، **الجوهر النضید**، قم، انتشارات بیدار، ۱۳۶۲ ش.



حمل ذاتی اولی به معنای حملی است که در آن موضوع و محمول، هم از نظر مفهومی و هم از نظر وجودی متحد باشند. برخی نیز معنای این حمل را توسعه داده و گفته اند:

حمل ذاتی اولی حملی است که در آن مفهوم محمول عین مفهوم موضوع یا جزء آن باشد

- ش.
۱۶. **القواعد الجلیه**، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۲ ق.
 ۱۷. دسوقی، محمدبن احمد، «حاشیه بر شرح شمسیه» در [شرح الشمسیه]، بیروت، شرکت شمس المشرق، [بی تا]. به نقل از مقالهٔ اقسام حمل و احکام آن ها، نویسنده محمد باقر ملکیان، چاپ در مرکز پژوهش های دائرة المعارف
 ۱۸. دوانی، جلال الدین محمد بن اسعد، «تعلیق بر شرح شمسیه» در [شرح الشمسیه]، بیروت، شرکت شمس المشرق، [بی تا]. به نقل از مقالهٔ اقسام حمل و احکام آن ها، نویسنده محمد باقر ملکیان، چاپ در مرکز پژوهش های دائرة المعارف
 ۱۹. رازی، فخرالدین محمد، **الانارات فی شرح الاشارات**، تحقیق و تصحیح امیر فرهیور، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۴ ش.
 ۲۰. **شرح عیون الحکمة**، تحقیق احمد حجازی السقا، تهران، منشورات مؤسسه الصادق (ع)، ۱۳۷۳ ش.
 ۲۱. **شرح المطالع**، قم، انتشارات کتبی نجفی، [بی تا].
 ۲۲. ربانی گلپایگانی، علی، **مناهج الاستدلال**، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۴ ق.
 ۲۳. زوزی، آقا علی مدرس، **رسالة حملیه**، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۳ ش.
 ۲۴. ساوی، زین الدین عمر بن سهلان، **البصائر النصیریة**، تعلیق رفیق العجم، بیروت، دارالفکر اللبنانی، ۱۹۹۳ م. به نقل از مقالهٔ اقسام حمل و احکام آن ها، نویسنده محمد باقر ملکیان، چاپ در مرکز پژوهش های دائرة المعارف
 ۲۵. سبزواری، «تعلیق بر شواهد الربوبیه» در [الشواهد الربوبیه]، تعلیق و تصحیح سید جلال الدین آشتیانی، دانشگاه مشهد، ۱۳۴۶ ش.
 ۲۶. **شرح المنظومه**، تصحیح و تعلیق حسن حسن زاده آملی، تهران، نشر ناب، ۱۴۱۳ ق.
 ۲۷. سهروردی، شهاب الدین یحیی بن حبش، **منطق التلویحات**، تحقیق علی اکبر فیاض، تهران، انتشارات دانشگاه، ۱۳۴۴ ش.
 ۲۸. شیرازی، قطب الدین محمد، **دره التاج**، تصحیح سید محمد مشکوه، تهران، انتشارات حکمت، ۱۳۶۵ ش.
 ۲۹. **شرح حکمة الاشراق**، قم، انتشارات بیدار، [بی تا].
 ۳۰. صدرالدین شیرازی، محمد، **الحکمة المتعالیه فی الاسفار الاربعة العقلیه**، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۹۸۱ م. به نقل از مقالهٔ اقسام حمل و احکام آن ها، نویسنده محمد باقر ملکیان، چاپ در مرکز پژوهش های دائرة المعارف
 ۳۱. **الشواهد الربوبیه**، تصحیح سید جلال الدین آشتیانی، محمد، دانشگاه مشهد، ۱۳۴۶ ش.
 ۳۲. **منطق نوین**، ترجمه مشکوه الدینی، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۶۲ ش.
 ۳۳. **تعلیقات علی الهیات الشفاء**، قم، انتشارات بیدار، [بی تا].
 ۳۴. «تعلیق بر شرح حکمة الاشراق» در [شرح حکمة الاشراق]، قم، انتشارات بیدار، [بی تا].
 ۳۵. «رساله التتبیح فی المنطق» در [مجموعه رسائل فلسفی صدرالمتهلین]، تحقیق حامد ناجی اصفهانی، تهران، انتشارات حکمت، ۱۳۷۵ ش.
 ۳۶. **نهایة الحکمة**، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۵ ق.
 ۳۷. طوسی، محمد بن محمد بن الحسن، **اساس الاقتباس**، تصحیح مدرس رضوی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۱ ش.
 ۳۸. **تجرید المنطق**، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۸ ق. به نقل از مقالهٔ اقسام حمل و احکام آن ها، نویسنده محمد باقر ملکیان، چاپ در مرکز پژوهش های دائرة المعارف
 ۳۹. **شرح الاشارات و التنبیها**، تحقیق سلیمان دنیا، بیروت، مؤسسه النعمان، [بی تا]. به نقل از مقالهٔ اقسام حمل و احکام آن ها، نویسنده محمد باقر ملکیان، چاپ در مرکز پژوهش های دائرة المعارف
 ۴۰. غزالی، ابوحامد محمد، **معیار العلم فی فن المنطق**، بیروت، دار و مکتبه الهلال، ۱۹۹۳ م. به نقل از مقالهٔ اقسام حمل و احکام آن ها، نویسنده محمدباقر ملکیان، چاپ در مرکز پژوهش های دائرة المعارف
 ۴۱. مظفر، محمدرضا، **المنطق**، تعلیق غلامرضا فیاضی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۲۳ ق.
 ۴۲. میرداماد، میر محمد باقر، **الافق المبین**، کبکی از روی میکرو فیلم کتابخانه ملک، آستان قدس رضوی، شماره ۲۰۹۱
 ۴۳. نگر، احمد، **جامع العلوم فی اصطلاحات الفنون**، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۵ ق. به نقل از مقالهٔ اقسام حمل و احکام آن ها، نویسنده محمد باقر ملکیان، چاپ در مرکز پژوهش های دائرة المعارف
 ۴۴. هروی، میر زاهد، **التعلیق علی شرح التهذیب (تهذیب میری)** نسخه موجود در کتابخانه دائرة المعارف، کبکی از روی میکرو فیلم نسخه چاپ ترکیه